



گردشگری پیام در آغاز اسلام و مسیحیت

پدیدآورده (ها) : میمنه، حیدر علی

ادیان، مذاهب و عرفان :: هفت آسمان :: بهار و تابستان 1393 - شماره 61 و 62

از 59 تا 74

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1087317>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

گردشگری پیام در آغاز اسلام و مسیحیت

حیدرعلی میمنه*

چکیده

گردشگری پیام که با هدف رساندن آموزه‌های دینی به دیگران صورت می‌گیرد و بخشی از گردشگری میراث به شمار می‌رود، در صدر اسلام و آغاز مسیحیت نقش بزرگی در ترویج آنها داشته است. بر اساس متون مقدس و داده‌های تاریخی، بنیان‌گذاران این دو دین، خود گردشگر پیام بوده‌اند. این سفرها در مسیحیت تشکیلاتی بود و در اسلام، اغلب غیرتشکیلاتی. عیسی (ع) و حواریون برای جلب مخاطب از معجزه‌های عوام‌پسند استفاده می‌کردند، در حالی که پیامبر اسلام (ص) بسیار بیش از معجزه، از استحکام گفتار و سخن زیبا بهره می‌جست و مبلغان مسلمان صاحب معجزه نبودند. گردشگران دینی در مسیحیت بی‌زاد و توشه سفر می‌کردند. پیامبر اکرم (ص) این شکل سفر را از اختصاصات عیسی (ع) و حواریون می‌دانست و آن را برای امت خود ممنوع کرد. برخلاف پیامبر اسلام (ص) که دعوتش به شدت رنگ سیاسی داشت حضرت عیسی (ع) در گردشگری پیام می‌کوشید از مباحث سیاسی پرهیز کند. گردشگران پیام در هر دو دین، گاهی با ناکامی‌ها و خطرهایی روبه‌رو بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، پیام، دین، تبلیغ، اسلام، مسیحیت، سفر.

* دکتری ادیان و عرفان، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم.

بیان مسئله

گردشگری به عنوان یکی از فعالیت‌های مهم و شناخته‌شده بشری، گونه‌های مختلفی دارد که گردشگری فرهنگی - هنری (گردشگری میراث) یکی از آنهاست. گردشگری دینی، که یکی از زیرمجموعه‌های گردشگری میراث است، خود به چند شاخه تقسیم می‌شود که سفر برای حضور در اماکن مقدس، زیارت بزرگان دین یا قبور آنها، سفر به منظور انجام وظایف دینی مانند جهاد و سفرهای تبلیغی از آن جمله‌اند.^۱ بخش اخیر را، که در آن دینداران به صورت فردی یا گروهی با هدف رساندن پیام‌های دین به مناطق مختلف سفر می‌کنند، «گردشگری پیام» نامیده‌ایم. اگر این گردشگری را بنیان‌گذار دین یا یک مؤسسه رسمی دینی، پس از دریافت آموزش‌های لازم برای گردشگران، تدارک دیده باشند «گردشگری تشکیلاتی پیام» می‌نامیم. سفر برای تبلیغ دین، بدون داشتن تشکیلات خاص، یا در حاشیه سفرهایی که با اهداف غیرتبلیغی انجام می‌شود «گردشگری غیرتشکیلاتی پیام» نامیده می‌شود.

اسلام و مسیحیت به دلیل داشتن اندیشه جهان‌وطنی، پیروان خویش را تشویق می‌کنند دیگران را نیز در سود بزرگ دینداری خود شریک کنند. به نظر می‌رسد بنیان‌گذاران اسلام و مسیحیت و حواریون و اصحاب، در نبود رسانه‌های فراگیر، این هدف را، با گردشگری پیام تحقق بخشیده‌اند. میزان گسترش جغرافیایی دین‌ها هرچند بی‌ارتباط با قدرت استدلال یا عناصر تشکیل‌دهنده آنها نیست، اما گردشگری پیام بیشترین نقش را در ترویج و گسترش ادیان داشته است. این شیوه گرچه ممکن است اکنون رونق گذشته را نداشته باشد اما همچنان کاربرد مؤثر خود را دارد. کوشیده‌ایم، بر اساس متون مقدس و داده‌های تاریخی، نقش گردشگری پیام در گسترش دعوت دینی در صدر اسلام و آغاز مسیحیت را توصیف کنیم و تفاوت روش آنها را در این مسئله نشان دهیم.

۱. اهمیت سفر در گسترش ادیان

بسیاری از پیامبران و بنیان‌گذاران ادیان، به منظور گسترش حوزه جغرافیایی دعوت خویش به مناطق دور یا نزدیک مسافرت کرده‌اند و پیروان خود را نیز بدان شیوه فرا خوانده‌اند. حضرت ابراهیم (ع) از زادگاه خویش به ناحیه کنعان و سپس با فرمانی که

از خداوند دریافت کرد، از آنجا به حجاز سفر کرد. حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل برای حفظ دین از مصر به سرزمین‌های دیگر رفتند. گسترش چشم‌گیر دعوت اسلام پس از هجرت حضرت محمد (ص) و یارانش به یثرب تحقق یافت. بودا پس از رسیدن به روشنایی درون، چهل سال تمام برای گسترش تعالیم خود به نقاط مختلف هند سفر کرد (شایگان، ۱۳۵۷: ۱۳۹/۱؛ Zurcher, 1987: vol. 9, p. 570). مانی نیز به همین منظور به آشور، بابل، تیسفون و سراسر امپراتوری ایران عهد اشکانی مسافرت کرد و شاگردان خود را برای رساندن پیام دینش به شرق و غرب روانه کرد (گرن، ۱۳۷۶: ۴۵-۵۰). شاید نقش پراهمیت سفر در گسترش و استمرار حیات ادیان سبب شده است در تعالیم آنها برخی اصطلاحات عادی مرتبط با سفر مانند «راه»، «جاده» و «زاد و توشه» مفاهیم معنوی نیز به خود بگیرد. مثلاً در اسلام واژه «سنه» و «شریعه» که به معنای راه‌های معمولی یا راه رسیدن به آب است، مفهوم دین و دینی یافته است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴۰/۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۶۸/۶)؛ همچنین در بودیسم، مراحل رسیدن به کمال را «راه» نامیده‌اند (شایگان، ۱۳۵۷: ۱۳۸/۱ و ۱۴۳). در دائویسم نیز، مفهوم «دائو» به معنای راه (Baldrin, 1987: vol. 14, p. 289) از همین سنخ است.

۲. حضرت عیسی (ع) و گردشگری پیام

بنا به گزارش کتاب مقدس، عیسی (ع) دعوت خویش را با سفر تبلیغی به مناطق جلیل، کفرناحوم و نواحی زبولون و نفتالیم آغاز کرده است (متی، ۴: ۱۳-۱۷). او برای آنکه نشان دهد تبلیغ در سفر را به عنوان یک شیوه ادامه خواهد داد، در پاسخ به فردی که خواهان همراهی با ایشان بود گفت: «روباهان و مرغان هوا، خانه و کاشانه دارند، اما پسر انسان را جای سر نهادن نیست» (متی، ۸: ۲۰). عیسی (ع) بدین‌منظور به شهرها و روستاهای بسیاری سفر کرد که شرح آن در انجیل متی آمده است. وی علاوه بر موعظه در میان مردم در کنیسه‌های یهود نیز حضور می‌یافت (متی، ۹: ۳۵). عیسی مسیح (ع) گاهی قبل از مسافرت به محل تبلیغ، فرستادگان خود را به آنجا اعزام می‌کرد (لوقا، ۱۰: ۱) تا زمینه ورود او را فراهم آورند. او در همه این سفرها در کنار موعظه، بیماران را شفا می‌داد، یا مردگان را زنده می‌کرد (متی، ۴: ۲۱-۲۳) و همین سبب گرد آمدن بسیاری از مردم نزد وی شده بود.

اما با همه این مقدمات، تلاش او همیشه قرین موفقیت نبود. وی از شهرهایی نام می‌برد و اهالی آنجا را به دلیل ماندن در گمراهی سرزنش می‌کند (متی، ۱۱: ۲۰). او پس از یک دوره سفر تبلیغی وقتی به موطن خود بازگشت و به موعظه پرداخت، توجه و محبتی نوید و از این جهت نیز گلایه‌مند بود که «نبی بی حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش» (متی، ۱۳: ۵۷). عیسی (ع) در مهم‌ترین بخش دعوت خویش به هیئت یک مسافر و سوار بر الاغ وارد اورشلیم شد و در آنجا بود که کار تبلیغی خود را با اقدام فیزیکی همراه کرد و سبب واژگونی اسباب صرافان شد (متی، ۲۱: ۱۲). بنا به گفته انجیل متی، عیسی (ع) پس از آنکه از میان مردگان برخاست، به شهر جلیل سفر کرد و شاگردان را نه در محل دفن، بلکه در آنجا ملاقات و موعظه کرد. موعظه او لزوم ادامه گردشگری پیام به وسیله شاگردانش بود (متی، ۲۸: ۷-۱۹).

در طول این سفرها عیسی (ع) با خطرهایی نیز روبه‌رو می‌شد. فریسیان و دیگر مخالفان می‌کوشیدند با متهم کردن وی به رعایت نکردن شریعت یهود، مردم را علیه او بشورانند. شفا دادن افلیجی در روز سبت (شنبه) که بر اساس شریعت یهود کار کردن در آن ممنوع بود، بهانه‌ای به دست آنها داد که اگر فرار عیسی (ع) نبود او را کشته بودند (متی، ۱۲: ۱۳-۱۵؛ متی، ۱۹: ۳-۷). همچنین او را به دلیل نشان دادن معجزه در شفای بیماران، به هم‌دستی با شیاطین و بزرگ‌دیوها متهم کردند (متی، ۱۲: ۲۵). عیسی (ع) در فعالیت‌های تبلیغی می‌کوشید انقلابش مفهوم سیاست به خود نگیرد و به شدت از ورود به مباحث سیاسی پرهیز می‌کرد (دورانت، ۱۳۷۸: ۳/۶۶۶). مخالفان که از این مسئله آگاه بودند می‌کوشیدند با طرح پرسش‌هایی «به قیصر مالیات بدهیم یا نه»، او را در روی حکومت قرار دهند (متی، ۲۲: ۱۵).

عیسی (ع) به شیوه حضرت یحیی (ع) و روش فریسیان (متی، ۲۳: ۱۶؛ یوحنا، ۹: ۲۸) برای خود شاگردانی معین کرد تا در سفرهای تبلیغی یاور او باشند (مرقس، ۳: ۱۵) و به منظور تأثیرگذاری بیشتر به شاگردان خاص خود نیز قدرت معجزه داده بود (لوقا، ۹: ۶).^۲ وی به آنها سفارش کرد گرد مال‌اندوزی نگردند، برای سفر توشه برنگیرند و جز لباس نشان چیز دیگری به همراه نداشته باشند (متی، ۱۰: ۱۰). آنها علاوه بر توانایی بر شفای بیماران، به هر شهری که وارد می‌شدند ناخودآگاه به زبان همان قوم سخن می‌گفتند (اعمال رسولان، ۲: ۴). عیسی مسیح (ع) مأموریت بزرگ تعلیم همه ملت‌ها را به عهده این

شاگردان گذاشت (متی، ۲۸: ۱۹). تعداد این شاگردان را دوازده تن شمرده‌اند که می‌توان گفت شاگردان خاص بوده‌اند. زیرا شاگردان او را تا هفتاد تن نیز گفته‌اند (لوقا، ۱۰: ۱). گاهی همه پیروان عیسی (ع) را در یک مفهوم عام شاگرد او نامیده‌اند که در این صورت نه به معنای همراهان ویژه وی، بلکه معادل برادر [دینی] و انسان مقدس خواهد بود (Dulles, 1987: 4/361).

عیسی (ع) در بیان شدت خطر، به حواریون هشدار داد که در این مسیر همچون گوسفند در میان گرگان هستند (متی، ۱۰: ۱۶) و باید همواره آماده کشته شدن باشند (مرقس، ۸: ۳۴). شاگردان عیسی (ع) بعد از بر دار رفتنش قدری متفرق شدند،^۳ اما پس از وی گرد هم آمده، عهده‌دار حفظ تاریخ و سنت‌های او شدند. رسولان با آنکه برای رفتن یا نرفتن به مکان خاصی به منظور تبشیر، به وسیله روح القدس، روح عیسی (ع) یا از طریق رؤیای صادقه، هدایت می‌شدند (اعمال رسولان، ۱۶: ۶-۱۰) اما گاهی در شیوه تبلیغ میان آنها نزاع در می‌گرفت، از یکدیگر جدا می‌شدند و هر کدام مسیری جداگانه در پیش می‌گرفتند (اعمال رسولان، ۱۵: ۳۹).

با رویکرد تشکیلاتی در امر پیام‌رسانی دینی، رسولان از طرف خود کسانی را به منظور تأسیس و اداره کنیسه‌های جدید به مناطق دیگر اعزام می‌کردند (اعمال رسولان، ۶: ۳ و ۱۴: ۸). همچنین همه رسولان و فرستادگان آنها به هر شهری می‌رفتند قانونی را که رسولان و کشیشان اورشلیم تدوین کرده بودند به مردم شهر ابلاغ می‌کردند. در اورشلیم یعقوب (ع) از دیگر رسولان جایگاه مهم‌تری داشت و پولس شاگردان شهرهای دیگر را نزد یعقوب (ع) می‌فرستاد (اعمال رسولان، ۱۶: ۴ و ۲۱: ۱۸).

۳. پیامبر اسلام (ص) و گردشگری پیام

پیامبر گرامی اسلام (ص) پیش از هجرت در موسم حج در سفرهای تبلیغی درون‌شهری نزد قبائل می‌رفت و آنها را به اسلام دعوت می‌کرد. همچنین، هر گاه می‌شنید کسی از عرب‌های معروف و شریف به مکه آمده پیش او می‌رفت و اسلام را عرضه می‌کرد (طبری، ۱۳۷۵: ۱۳۷۲/۳-۸۹۳). با کسانی که برای امور بازرگانی یا زیارت کعبه به مکه آمده بودند تماس می‌گرفت و می‌کوشید صدای اسلام را به بیرون از مکه برساند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۱/۲۴۷ و ۲۷۶). پس از مرگ عمو و حامی بزرگ رسول

خدا (ص)، ابوطالب، و ریاست یافتن ابوسفیان بر شهر مکه، فضای تبلیغ برای پیامبر محدودتر شد و عمده فعالیت تبلیغی وی به ماه‌های حرام، به ویژه ذی‌حجه که قبایل مختلف برای زیارت می‌آمدند، محدود شد. حضرت به امید شکستن این محدودیت‌ها، سفری تبلیغی به طائف کرد که با هجوم مخالفان مجروح شد و بدون اینکه دست‌آورد چندانی داشته باشد، با زحمت فراوان به مکه بازگشت. گویا در مسیر بازگشت از همین سفر بوده که بنا بر گزارش قرآن کریم (احقاف: ۲۹) گروهی از جنیان ایمان آوردند و پیام‌رسان اسلام در قوم خود شدند (طبری، ۱۳۷۵: ۸۸۸/۳). شیوه گردشگری رسول خدا (ص) چنان مستمر بود که امام علی (ع) او را به پزشک دوره‌گردی تشبیه کرد که همراه با لوازم پزشکی به سراغ بیماران می‌رود؛ گاهی مرهم می‌گذارد و گاهی داغ می‌نهد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸).

پیامبر گرامی اسلام (ص) در موارد متعدد فرد یا افرادی را برای تبلیغ دین به مناطق دیگر اعزام می‌کرد. سفر گروهی از مسلمانان به حبشه به رهبری جعفر بن ابی‌طالب هرچند نوعی پناهندگی سیاسی- مذهبی بود ولی آنها نجاشی را به اسلام دعوت کردند و به دنبال تلاش‌های تبلیغی این گروه بود که حاکم حبشه، علی‌رغم درخواست فرستادگان قریش، مسلمانان را به مکه باز نگردانید (بیهقی، ۱۳۶۱: ۶۴/۲). سخنرانی جعفر در حضور نجاشی و درباریان، گرچه به عنوان دفاع از درخواست پناهندگی مسلمانان بود ولی چندان از تعالیم اسلام سخن گفت که نجاشی و کشیشان حاضر در مجلس را، تحت تأثیر قرار داد و سفر او را عملاً به یک سفر تبلیغی تبدیل کرد (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۲۰۷/۱).

همچنین پیامبر (ص) هنوز در مکه بود که مصعب بن عمیر را به عنوان فرستاده تبلیغی خود به یثرب فرستاد (همان: ۴۳۴/۱). مأموریت اصلی او آموزش آیات قرآن به اهالی آنجا بود و به همین دلیل در میان مردم به قاری شهرت یافته بود (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۴۰۶/۴). مصعب در مجموعه مسافرت‌های درون‌شهری هر روز به یکی از محلات یثرب می‌رفت و پیام اسلام را که در قالب آیات جذاب قرآن بود به آنها می‌رساند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۲۸۳/۱). این پیام‌رسانی چنان ثمربخش بود که مقدمات دعوت و سپس هجرت رسول خدا (ص) به یثرب و پیشرفت سریع اسلام را به دنبال آورد. اعزام پیام‌رسان دین پس از هجرت رونق بیشتری گرفت، به گونه‌ای که پس از فتح مکه، پیامبر (ص) علاوه

بر اینکه معاذ را مأمور تبلیغ در مکه کرد، عمرو بن عاص را به جفیر و عیاذ بن الجندی ازدی را به عمان فرستاد و همین سبب اسلام آوردن اهالی عمان بود (ابن‌خلدون، ۱۳۶۲: ۴۵۰/۱). گاهی حضرت فردی را برای تبلیغ به منطقه‌ای می‌فرستاد و به او نامه نیز می‌داد (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۳۶۹/۲). گاهی در نامه قید می‌شد که فرد اعزام‌شده علاوه بر وظیفه تبلیغ، مثلاً مأمور جمع‌آوری زکات نیز هست (همان). اما گاهی علی‌رغم میل دیگران، بر تفکیک مأموریت تبلیغی از غیرتبلیغی اصرار می‌کرد؛ که اعزام علی بن ابی طالب (ع) برای سفر تبلیغی برائت از مشرکان در کنار سفر زیارتی ابوبکر از آن جمله است (همان: ۳۴۸/۲). فرستادن نامه به سران کشورها و مذاهب را نیز می‌توان به عنوان سفر تبلیغی یاد کرد، هرچند نامه‌رسانان به طور رسمی مأمور تبلیغ نبودند.

پیامبر (ص) معمولاً در پایان سخنرانی‌ها از حاضران در مجلس می‌خواست مطالبی را که شنیده‌اند به دیگران برسانند و مسلمانان حتی در سفرهای کوتاه درون‌شهری، سیره نبوی را تبلیغ می‌کردند. به ویژه آنکه حضرت به آنها یادآور شده بود چه بسا آنان که از شما می‌شنوند بیش از خود شما سخنان مرا درک کنند (بیهقی، ۱۳۶۱: ۵۸/۱). بسیاری از افراد پس از اسلام آوردن نزد پیامبر، بدون آنکه از سوی وی مأموریت رسمی داشته باشند در مناطق مختلف به تبلیغ دین می‌پرداختند. طبری، نجاشی پادشاه حبشه را جزء این دسته قرار داده است (طبری، ۱۳۷۵: ۸۶۲/۳).

پیش از این ملاحظه شد که عیسی مسیح (ع) و حضرت محمد (ص) و شاگردان و اصحابشان برای ترویج دین از شیوه گردشگری پیام استفاده کرده‌اند. آیا پیامبر اسلام (ص) از به کارگیری شیوه سفر تبلیغی نزد مسیح و شاگردانش آگاهی داشته است؟ در صورتی که چنین بوده آیا این شیوه را از آنها اقتباس کرده است؟

آنچه مسلم است اینکه حضرت، چه از طریق وحی و چه با علم عادی، از گردشگری دینی عیسی (ع) و حواریون آگاهی داشته است. خدای تعالی در اوایل سوره یس (آیه ۱۳) حکایت قریه‌ای را برای پیامبر نقل می‌کند که دو فرستاده خدا به میان آنها رفتند، اما از قبول آنها سر باز زدند و تکذیبشان کردند و در پی آن خداوند سومین رسول را نیز فرستاد. روایاتی در مقام تفسیر این آیه، آن قریه را شهر انطاکیه و این سه فرستاده را رسولان عیسی مسیح (ع) دانسته‌اند که برای رساندن پیام توحیدی عیسی (ع) بدانجا اعزام شده بودند. دو رسول نخستین دست‌گیر و زندانی شدند ولی

با تدبیر رسول سوم، که شمعون نام داشت، نجات یافتند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۳۸/۵؛ حسینی، ۱۳۶۳: ۶۴/۱). بنابراین، پیامبر از طریق آیات قرآن با موضوع آشنا بوده است. در سخنان خود پیامبر (ص) نیز به شیوه گردشگری مبلغان مسیحی اشاره شده است (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۰/۲).

همچنین وقتی کسانی را معین کرد نامه‌های او را به سران کشورها و قبایل برسانند به آنها سفارش کرد همانند فرستادگان عیسی با من مخالفت نکنید که وقتی ابلاغ رسالت خویش را بر عهده حواریون نهاد برخی پذیرفتند و برخی به دلیل دور بودن مسیر سر باز زدند؛ و در ادامه خبر داد که گردشگران اعزامی عیسی (ع)، به شیوه اعجاز، زبان قوم محل مأموریت خود را می‌دانسته‌اند (طبری، ۱۳۷۵: ۱۳۲/۳؛ ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۳۸۵/۲). نه تنها پیامبر (ص) بلکه برخی مردم عادی عربستان نیز از این شیوه عیسی (ع) و حواریون خبر داشتند، چنان‌که نوشته‌اند وقتی جارود، بزرگ قبیله عبدالقیس، نزد پیامبر آمد و مسلمان شد حضرت به او و همراهانش فرمود شما قیس را می‌شناسید و آنها از اوصاف نیکوی او گفتند و توضیح دادند که وی خانه و کاشانه نداشته است و در جامه مخصوص مسیحیان همواره در حرکت و سیاحت بوده و شمعون حواری بزرگ عیسی (ع) را درک کرده بوده است (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۴۱/۱). مردم شهر نجران نیز به وسیله یکی از همین گردشگران مسیحی موسوم به «فیمیون» به مسیحیت گرویده بودند و خاطره او که خانه و کاشانه ثابتی نداشته، از دست‌رنج خود می‌خورده و روزهای یکشنبه را تعطیل می‌کرده، هنوز در ذهن و زبان مردم بوده است (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۳۱/۱).

اما در خصوص پرسش دوم، نخست اینکه هیچ اشکالی ندارد پیامبر اسلام (ص) یکی از شیوه‌های پیامبر پیش از خود در زمینه تبلیغ را اقتباس کرده باشد. زیرا همه آنها پیامبران خدا بوده‌اند. اما نکته آنکه، اهمیت و ضرورت گردشگری پیام در ترویج دین متعلق به عقل بشری است و نیازی به اقتباس ندارد. علاوه بر این، در متون اسلامی مطالبی هست که می‌توانسته بدون نیاز به اقتباس، الهام‌بخش سفرهای تبلیغی پیامبر (ص) و مسلمانان باشد. از جمله آن‌گونه که در سنت اسلامی یاد شده، جبرئیل از ابتدای بعثت تا پایان عمر رسول خدا (ص)، با سفرهای تبلیغی حامل پیام خداوند برای ایشان بوده است. همچنین حضرت از وجود فرشتگان گردشگری سخن می‌گفته که به

مجالس مؤمنان سرکشی می‌کنند و مأمور رساندن پیام‌های دوستی و محبت امت به پیامبرند (مقریزی، ۱۴۲۰: ۳۰۶/۱۰؛ ابن حیون، ۱۴۰۹: ۴۵۸/۳). به گفته المیزان سفر حضرت موسی (ع) برای کسب دانش و معنویت از بنده صالح، آن‌گونه که در سوره کهف (آیه ۶۰) آمده، نیز به دلیل ماهیت علمی - معنوی آموزه‌های اسلامی، می‌توانسته دل پیامبر و مسلمانان را برای انجام چنین سفرهایی گرم کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۸/۱۳). اما برخلاف مشهور، آیاتی که با عبارت «سیروا فی الارض» در قرآن کریم آمده نمی‌توانسته است چندان الهام‌بخش سفرهای دینی باشد. زیرا همه این آیات خطاب به مشرکان و منکران دین و قیامت است و از آنها خواسته شده برای مشاهده عاقبت تکذیب‌کنندگان دین مسافرت کنند.^۴

۴. گردشگری پیام؛ آفت‌ها و خطرها

سفر گرچه برای بشر سوده‌های فراوانی داشته، اما همواره با انواع خطر نیز همراه بوده است. گردشگران پیام علاوه بر خطرهای عمومی سفر، با چهار گونه آفت دیگر نیز روبه‌رو می‌شده‌اند. نخستین آفت آنکه پیام‌رسان به دلیل ناتوانی‌های فکری و عقیدتی به جای تأثیرگذاری بر مخالفان از آنها تأثیر بپذیرد و از دین خود دست بردارد. چنان‌که عبدالله بن خطل، مبلغ اعزامی پیامبر به مکه، در آنجا مرتد و به مکیان پناهنده شد. همان کسی که پس از فتح مکه ریختن خورش حلال اعلام شد و علی‌رغم چسبیدن به پرده کعبه، کشته شد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۲: ۴۴۴/۱). خطر دیگر وقتی بود که مبلغ تحت تأثیر احساسات شدید دینی یا قومی از وظیفه تبلیغی خود فراتر رفته، اقدام به نظامی‌گری می‌کرد، آن‌گونه که در مورد خالد بن ولید در فتح مکه پیش آمد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲۵۶/۲). علی‌رغم اندک بودن این موارد، حضرت در این خصوص به افراد اعزامی هشدار می‌داده است (طبری، ۱۳۷۵: ۹۰۳/۳). خطر سوم وقتی بود که مخالفان تلاش‌های مبلغان دینی را بر نمی‌تافتند و علیه آنها به اقدام نظامی دست می‌زدند. از جمله عروه بن مسعود پس از آنکه مسلمان شد از پیامبر اجازه خواست مبلغ اسلام در قوم خود باشد که با آغاز تبلیغ او را به تیرباران کشتند (همان: ۱۲۲۸/۴). دو حادثه رجیع و بئر مؤنه نیز، که در سال چهارم هجرت اتفاق افتاد و در اولی شش و در دومی چهل و به روایتی هفتاد مبلغ اعزامی پیامبر به شهادت رسیدند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۱۳۵/۲؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۴۰/۲؛ طبری،

۱۳۷۵: ۱۰۴۴/۳ و ۱۰۵۱) از این نمونه است. اما خطر چهارم نه برای پیام‌رسان بلکه متوجه پیام بود. مبلغان دینی فقط باورهای دینی خود را منتقل نمی‌کنند بلکه مبانی فلسفی، اخلاقی، هنری و حتی آداب و رسوم محلی جامعه خود را نیز منتقل می‌کنند. این داده‌ها با فرهنگ‌های بومی ادغام می‌شود و پس از مدتی شکل جدیدی از دین به وجود می‌آید که ممکن است با آموزه‌های دین اولیه بسیار متفاوت باشد. ترکیب تعالیم بودایی، کنفوسیوسی و تائویی با فرهنگ کره و ژاپن و ترویج فرهنگ عربی در جوامع تحت نفوذ مبلغان مسلمان از این نمونه‌اند.

۵. تفاوت‌های گردشگری پیام در اسلام و مسیحیت

آن‌گونه که بیان شد، نخستین مبلغان اسلام و مسیحیت از گردشگری پیام استفاده کرده‌اند. اما در شکل و شیوه با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته‌اند. برخی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

۱. در اسلام اقدام به مسافرت چنانچه مستلزم ارتکاب خلاف شرع نباشد تشویق شده است (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۷/۱۱). اما مسافرت به تنهایی یا بدون زاد و توشه از اختصاصات زندگی عیسی (ع) و حواریون او شمرده شده، بدون زشت شمردن این شیوه، آن را به شدت برای مسلمانان (هرچند با هدف پیام‌رسانی دینی) منع کرده‌اند (برقی، ۱۳۷۱: ۳۶۰/۲ و ۳۵۷). پیامبر اکرم (ص)، عثمان بن مظعون و برخی هم‌فکرانش را که قصد داشتند با چنین شیوه‌ای زندگی کنند از این کار باز داشت و گردشگری امت خود را روزه (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۱۵۰/۲)، نشستن در مساجد، و شرکت در جهاد دانست (طبرسی، ۱۳۴۴: ۲۶۳؛ هاشمی خوبی، ۱۴۰۰: ۳۲۰/۱۳). دیگر متون روایی اسلامی نیز همواره بر منسوخ بودن این روش در اسلام تأکید کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۵/۷ و ...). این در حالی است که چنین مسافرت‌هایی در مسیحیت کاملاً معمول و پذیرفته بود.

۲. عیسی مسیح و حواریون، همراه با فعالیت پیام‌رسانی دینی به معجزه‌هایی مانند شفای بیماری‌های سخت، زنده کردن مرده و تغذیه افراد بسیار با غذای کم دست می‌زدند که متوجه نیازهای اولیه مردم بود و بدین‌گونه مردم را به موعظه خود توجه می‌دادند. بنا به نقل ویل دورانت، عیسی (ع) از اینکه خود را مجبور می‌دید بدین منظور

از معجزه استفاده کند راضی نبود و به دلیل آنکه حواریونش هم او را در نتیجه معجزاتش قبول دارند گلايه‌مند بود (دورانت، ۱۳۷۸: ۶۶۳/۳). اما پیامبر اسلام (ص) در مقام دعوت، از استدلال در قالب آیات زیبای قرآن بهره می‌گرفت و نشان دادن معجزه به ندرت اتفاق می‌افتاد و معمولاً در مقابل معاندان یا سخن‌شناسان بود.^۵ این تفاوت شاید به دلیل تفاوت در محتوای دعوت این دو پیامبر بوده است. دعوت عیسی (ع) عموماً متوجه مسائل اخلاقی مردم بود و می‌توانست با آن نوع معجزات مناسبت داشته باشد، در حالی که اساس دعوت پیامبر اکرم (ص) متوجه اشکالات اعتقادی مردمی بود که توحید ربوبی را نفی می‌کردند. فرستادگان عیسی (ع) افراد خاص و صاحب معجزه بودند اما فرستادگان حضرت محمد (ص) صاحب معجزه خاصی نبودند و اعتمادشان به استحکام سخنان بود.

۳. در آغاز مسیحیت، خود مسیح با انتخاب و اعزام شاگردان آموزش دیده و صاحب معجزه به مناطق دیگر، تشکیلات ویژه پیام‌رسانی دینی را شکل داده بود و تبلیغات در چارچوب این تشکیلات انجام می‌شد. اما در اسلام تشکیلات پیام‌رسانی بسیار کم‌رنگ ظاهر شد و عمده بار پیام‌رسانی دینی، که اسلام را تا دوردست‌های عالم گسترش داد، بر دوش کسانی بود که به هیچ تشکیلات خاص دینی وابستگی نداشتند و فقط احساس مسئولیت درونی و شخصی انگیزاننده آنها بود.

۴. برخلاف عیسی (ع) که در طول سفرهای تبلیغی به شدت از ورود به امور سیاسی پرهیز می‌کرد، دعوت پیامبر اسلام (ص) به شکل قابل توجهی وجهه سیاسی نیز داشت و به دنبال آن، گاهی اقدامات نظامی نیز لازم می‌شد. پیروزی‌های به دست آمده در بعد نظامی، پاره‌ای از موانع ایمان آوردن مردم را از میان می‌برد و بستر فعالیت گردشگران پیام را هموارتر می‌کرد. گرچه برخی مناطق، به دنبال پیروزی نظامی با اسلام آشنا شدند اما مؤمن شدن مردم آن مناطق نه به وسیله سربازان اسلام، بلکه محصول تلاش مبلغان مسلمان بود. زیرا ایمان که امری درونی و قلبی است با زور قابل انتقال نیست. گسترش آیین بودایی و رواج مسیحیت نیز در برخی مناطق جهان به همین شیوه بوده است، اما در همه این موارد مبلغان دینی بر عنصر قلبی بودن پذیرش دین تأکید کرده‌اند (Stackhous, 1987: 9/565). در اسلام گروه‌های جهادی که به یک منطقه اعزام می‌شدند ابتدا در کسوت پیام‌رسان دین ظاهر می‌شدند و اگر این بخش از مأموریت با

شکست روبه‌رو می‌شد کار به اخذ جزیه یا جنگ می‌کشید. بر اساس دستور قرآن کریم، حتی در میدان جنگ نیز اگر یکی از افراد لشکر مخالف درخواست گفت‌وگو برای فهم دین را داشت، مسلمانان موظف بودند به وی امان دهند و پس از گفت‌وگو او را به مبدأ و محل امن خود برسانند (توبه: ۹).

نتیجه

گردشگری پیام که در آغاز مسیحیت و صدر اسلام محل توجه بنیان‌گذار، شاگردان و یاران آنها بوده، در گسترش دین نقش مهمی داشته است. پیامبر اسلام (ص) گرچه از شیوه گردشگری پیام نزد مسیح (ع) و مبلغان مسیحی آگاهی داشته، اما دلایلی وجود دارد که آن را از مسیحیت اقتباس نکرده است. اسلام سفر کردن بدون زاد و توشه را، که نزد مبلغان و کشیشان مسیحی رایج بود، تقبیح نکرد، ولی آن را برای امت خود ممنوع دانست. عیسی (ع) و شاگردانش به منظور توجه بیشتر مخاطبان به پیام دینی از معجزه‌های احساسی - عاطفی استفاده می‌کردند، اما پیامبر اسلام (ص) به ندرت از این شیوه بهره برد و فرستادگان ایشان اغلب افراد عادی بودند که توان معجزه نداشتند. آنها نه بر معجزه که بر استحکام سخن و زیبایی پیام دین خود متکی بودند. گردشگری پیام در مسیحیت اغلب تشکیلاتی بود و زیر نظر یک دستگاه منظم دینی انجام می‌شد، اما در اسلام بیشتر غیرتشکیلاتی بود و به وسیله مردم عادی و به صورت خودجوش انجام می‌گرفت. پیام‌رسانان و گاهی خود پیام با خطرهای ویژه این‌گونه فعالیت‌ها روبه‌رو می‌شد. پیروزی‌های نظامی در صدر اسلام راه پیام‌رسانی را برای مبلغان مسلمان هموار می‌کرد، ولی با رکن پذیرش ایمان، که رضایت قلبی است، تضادی نداشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع از گونه‌های مختلف گردشگری نک: پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۵: ۲۲-۵۳.
۲. شاگردان و حواریون گرچه توانایی معجزه داشتند ولی در جهات دیگر افرادی کاملاً عادی بودند. بعضی حسود، گاهی تا سرحد بزدلی ترسو و برخی جاه‌طلب بودند؛ همان‌گونه که صفات نیکی مانند فعال بودن، جدیت در کار و بخشندگی نیز داشتند (دورانت، ۱۳۷۸: ۶۶۳/۳).

۳. یهودا اسخریوطی که با گرفتن سی پاره نقره محل عیسی (ع) را به مخالفان نشان داده بود (متی، ۲۶: ۱۵) پس از آنکه دانست خیانت او به اعدام عیسی (ع) منجر خواهد شد اظهار پشیمانی و خودکشی کرد (متی، ۲۷: ۳-۵). شاگرد دیگر وی نیز هنگام گرفتاری استاد از ترس، عیسی (ع) را لعن و نفرین، و همراهی با وی را انکار کرد (متی، ۲۶: ۷۴).
۴. برای ملاحظه آیات و اینکه خطاب به مشرکان و کفار و معاندان دین است نک: نمل: ۷۰؛ عنکبوت: ۱۸؛ انعام: ۱۱؛ روم: ۳۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۴۳۲؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۵/۳۶۴؛ مغنیه، بی تا: ۵۳۶؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۳/۳۶۶.
۵. اینان گاهی با دیدن معجزه نیز مسلمان نمی شدند و حضرت را به ساحری متهم می کردند (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/۲۴۸).

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس، ترجمه تفسیری.

نهج البلاغه (۱۴۱۴). محمد بن حسین شریف الرضی، تحقیق: صبحی صالح، چاپ اول، قم: [بی‌نا].

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه*، محقق: مجتبی عراقی، چاپ اول، قم: [بی‌نا].

ابن اثیر، عز الدین ابوالحسن علی بنابی الکرام (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار الصادر.

ابن اثیر، عزالدین (۱۹۸۹/۱۴۰۹). *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دار الفکر.

ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹). *شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار*، محقق: محمدحسین حسینی جلالی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.

ابن خلدون (۱۳۶۲). *العبر تاریخ ابن خلدون*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.

ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۰). *الطبقات الکبری*، تحقیق: محمد عبدالقادر، الطبعة الاولى، بیروت: دار الکتب.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب*، چاپ اول، قم: علامه.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). *المحاسن*، تصحیح: جلال‌الدین محدث، چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامیه.

بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۳۶۱). *دلائل النبوة*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

پاپلی یزدی، محمدحسین؛ سقایی، مهدی (۱۳۸۵). *گردشگری؛ ماهیت و مفاهیم*، تهران: سمت.

حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). *تفسیر اثناعشری*، چاپ اول، تهران: انتشارات میقات.

الحمیری المعافری (ابن هشام)، عبد الملک بن هشام (۱۳۷۵). *زندگانی محمد*، ترجمه: سید هاشم رسولی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات کتابچی.

الحمیری المعافری (ابن هشام)، عبد الملک بن هشام (بی‌تا). *السیرة النبویة*، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الابیاری، بیروت: دار المعرفه.

دورانت، ویل (۱۳۷۸). *تاریخ تمدن*، ترجمه: علی اصغر سرروش، چاپ ششم، تهران: علمی فرهنگی.

شایگان، داریوش (۱۳۵۷). *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی.

طبرسی، علی بن حسن (۱۳۴۴). *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، چاپ دوم، نجف: المکتبه الحیدریه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، ترجمه: گروه مترجمان، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ الطبری*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: اساطیر.

طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تحقیق: سید احمد حسینی، چاپ سوم، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.

کاشانی، ملافتح‌الله (۱۳۳۶). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتاب‌فروشی محمدحسن علمی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، محققان غفاری و آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

گرن، گئو ویدن (۱۳۷۶). *مانی و تعلیمات او*، ترجمه: زهت صفای اصفهانی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، تحقیق: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، [بی‌جا]: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مغنیه، محمد جواد (بی‌تا). *التفسیر المبین*، قم: بنیاد بعثت.

مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۴۲۰). *امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفده والمتاع*، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسسی، الطبعة الاولى، بیروت: دار الکتب العلمیه.

نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸). *تفسیر آسان*، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامیه. هاشمی خوبی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰). *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، محقق: ابراهیم میانجی، چاپ چهارم، تهران: مکتبه الاسلامیه.

Baldrin, Farzeen (1987). "Taoism", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), vol. 14, pp. 288-305.

Dulles, Avery S. j. (1987). "Discipleship", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), vol. 4, pp. 361-364.

Stackhous, Max. L. (1987). "Missions", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), vol. 9, pp. 563-578.

Zurcher, Erik (1987). "Buddhist Missions", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), vol. 4, pp. 570-573.